

عدم مدارای مذهبی منشأ خشونت

اثر: اودو شفر (۱)

از زمان ماهاتما گاندی، که در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۸ به ضرب گلوله از پای در آمد و جان به جان آفرین تسلیم نمود، تا کنون جهان به مکانی آرام تر و صلح آمیز تر تبدیل نشده است. خشونت، که قدمت آن به قدمت خود بشر است، در جوامع صنعتی جدید بعد جدیدی یافته و حتی به صورت اتفاقات جزئی، بخشی جدایی ناپذیر از زندگی عادی و روزمره ما شده است. درست همانطور که تب گویای بیماری در بدن است، افزایش تمایل به نزاع و آمادگی حلّ و فصل اختلافات با استفاده از خشونت نیز حاکی از بیماری و اختلالی جدی و وخیم در جامعه است. در این جامعه که موقعیت خود را درک نمی کند، نظامهای ارزشی سنتی اعتبار و اقتدار خود را از دست داده اند. در جهانی که پوچ انگاری و لذت جویی خصیصه آن شده، ترس و نومییدی، یعنی شرایط کمال مطلوب برای رشد خشونت فردی و جمعی در حال انتشار است. در جهانی که ظلمت چنین سایه بر آن انداخته، شخصیت ماهاتما گاندی با پیام عدم خشونتش، ایمان تزلزل ناپذیرش به دنیای آینده که جز عدالت، صلح و اتفاق بر آن حکومت نخواهد کرد، شعاعی از نور است و نشانی از امید. یکی از قدیم ترین علل خشونت که آشکارا ریشه کن نشدنی است، ارتجاع و کهنه اندیشی مذهبی است. می توان در تمامی طول تاریخ بشر، از زمانی که قابیل برادرش را کشت تا همین زمان حاضر، ردّ خونی را که ناشی از آزارهای مذهبی، جنگهای مذهبی، "جنگهای مقدّس موسوم به جهاد" و اقدامات خشونت آمیزی که محرّک انگیزه های مذهبی است مشاهده کرد. صحیح است که روشنفکری و روشن نگری سبب شد آزادی مذهبی به عنوان یک حقّ جهانی بشری یک اصل مسلم شناخته شود، حقّی که امروزه در قانون اساسی هر کشور دارای نظام دموکراسی نوشته شده و به این ترتیب دعای حقیقت دینی از محدوده قدرت دولتی حذف گردد. با این همه، در همین زمان، جدال های خونین به نام دین در لبنان، ایرلند شمالی، بوسنی، سریلانکا و سودان جریان دارد. ارتجاع مذهبی هر از گاهی در شورش ها و قتل عام ها، مانند آنچه که در هند و مصر مشاهده می شود، شعله می کشد، و شنیدن خبر فجایع و وحشی گری هایی که با توسّل مستقیم به خداوند و تحت نام او به عمل می آید چندان به ندرت صورت نمی گیرد. به نام "حقیقت"، اقلیت ها در معرض آزار، اذیت، ظلم و مزاحمت قرار می گیرند - ایذا و آزار بهائیان در ایران، هنوز امروزه، نمونه غم انگیزی از این پدیده است. (۲)

۱- اصل این اثر آلمانی است که توسط خانم دکتر جeraldین شوکلت Jeraldin Schuckelt به انگلیسی ترجمه شده است. متن فارسی با استفاده از ترجمه انگلیسی تهیه شده است - م

۲- بنگرید به *The Persecution of the Baha'is in Iran* اثر داگلاس مارتین، منتشره در اوتاوا در سال ۱۹۸۴ به وسیله Association for Baha'i Studies؛ و *Die Verfolgung einer religiösen Minderheit: die Bahā'ī im Iran* اثر کامران اقبال. (1988), pp.36ff

پایان مصیبت‌بار زندگی ماهاتما نشان می‌دهد که مروّجین صلح هستند که به طور اخصّ نفرت و انزجار متعصّبین و متحجّرین را تحریک می‌کنند.^(۱) در قضیه او هم مسلکانش بودند که نمی‌توانستند این واقعیت را بپذیرند که او فرزندان "نجس‌ها" را در آغوش بگیرد، یا به حیات مسالمت‌آمیز هندوها و مسلمانان که در کمال اتفاق و احترام متقابل با هم زندگی کنند اعتقاد داشته باشد. آنها قتل او را یک اقدام پرهیزگارانه و دیندارانه تلقّی می‌کردند و قبل از ارتکاب جنایت در معبد برای حصول فیوضات الهیه دست به دعا برداشتند. نفرت و کینه هرگز به اندازه زمانی که انگیزه‌های بشر در ژرفنای خودآگاهی قرار دارد و از اعتقاد مذهبی نشأت می‌گیرد، عمیق و ناسازگار نیست. پاسکال می‌گوید، "ارتکاب شرّ هرگز به اندازه زمانی که از روی اعتقاد و یقین صورت می‌گیرد، کامل و مسرّت‌انگیز نیست."^(۲)

اما، برای ارتکاب چنین اعمالی که با وجدانی روشن و آگاه صورت گیرد، هیچ مبنایی ندارد: هیچ یک از ادیان خشونت علیه نفوسی را که دارای تفکر یا اعتقادی متفاوت هستند مجاز و مشروع نمی‌شمارد. ارتجاع مذهبی، ثمره تلخ و ناگوار جزم‌اندیشی کوتاه‌فکرانه، بدترین حالت انحراف و تغییر شکل دین، تحریف یکی از شریف‌ترین فضیلت‌ها، یعنی استقامت در دین و ایمان است. ریشه‌های روانشناختی آن در شرارت‌ها و زشتی‌هایی مانند تکبر، نخوت، غرور، و حسادت تلویحی قرار دارد که در جمیع ادیان به عنوان "گناه" یا حتّی "گناه مهلک" محکوم شده است. عدم مدارا، ارتجاع، تعصّب و نفرت مذهبی "هادم بنیان وحدت عالم انسانی"^(۳) و عمیقاً مخالف با روح دیانت حقیقی است: حضرت بهاء‌الله، شارع امر بهائی، آن را "ناری... عالم‌سوز" و "بلاء عقیب"^(۴) خوانده به مؤمنین به دیانتش مؤکداً فرموده است، "مذهب الهی از برای محبّت و اتّحاد است او را سبب عداوت و اختلاف ننمائید."^(۵) حضرت عبدالبهاء حتّی تا آنجا پیش رفتند که فرمودند، "اگر دین سبب اختلاف، نفرت و بغضا شود، بی‌دینی بهتر است و خودداری از تدبّین به چنین دینی یک عمل کاملاً دینی است. چه که واضح است هدف از درمان معالجه مرض است؛ اما اگر درمان سبب وخامت مرض شود، ترک آن اولی است."^(۶)

تعصّب و جزم‌اندیشی با اوامر عدالت و محبّت ناسازگار است. محبّت مستلزم مدارا است و این فضیلت شریف به معنای احترام به عقاید و اعتقادات سایرین است که نه به لحاظ بی‌تفاوتی مذهبی یا اخلاقی، بلکه صرف نظر از نقطه نظرات شخص، به لحاظ احترام نسبت به دوست و همسایه به عنوان یک شخص مختار و برابر بدون حقّ لاینفک نسبت به اعتقادات شخصی است. قرن‌ها، روح طرد و دفع سازش‌ناپذیر در رفتار گروهی از مؤمنان نسبت به اعضاء سایر فرقه‌ها، یا بدتر

۱- نمونه‌های دیگر دکتر مارتین لوترکینگ، که از گاندی سرمشق می‌گرفت، و انورالسادات و غیر می‌شوند.

۲- Pascal, *Pensées* (Paris: Flammarion 1973), no 813 (*Jamais on ne fait le mal si pleinement et si gaiement que quand on le fait par conscience*)

۳- ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء در خطابه ۲ دسامبر ۱۹۱۲ مندرج در *Promulgation of Universal Peace* ص ۴۵۵

۴- لوح شیخ نجفی، ص ۱۱

۵- کتاب عهدی، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۴۰۰

۶- ترجمه خطابه مبارک مندرج در صفحه ۴۰ کتاب *Paris Talks*

از آن، نسبت به پیروان سایر ادیان منعکس می‌گشت. با این همه در تمام ادیان، از امپراطور آشوکا^(۱) گرفته تا این زمان، افرادی بوده‌اند که روح زمان^(۲) را که غالب بر عالم امکان بوده به مبارزه طلبیده بر لزوم درک و مدارا نسبت به سایر ادیان پافشاری کرده‌اند. کوسانوس^(۳)، کاردینال کلیسای کاتولیک، که در سال ۱۴۵۳ عبارت معرکه و جنجالی "دین یکی است آداب و مناسب متعدد و متنوع" را بیان نمود، دو عالم پروتستان علم کلام فردریک شلایرماخر^(۴) و فردریک هایلر^(۵)، اسقف اعظم لوتران نیثان سودر بلوم^(۶)، فیلسوف مذهبی هندی ساروپالی رادا کریشنان^(۷)، عالم الهیات کاتولیک ریموندو پانیکار^(۸) و هانس کونگ^(۹) و نفوسی دیگر، برای غلبه بر ادعاهای نفوسی که متعصبانه و جزم‌اندیشانه برای انحصار طلبی می‌کوشند، برای ارتباط برادرانه بین ادیان، برای روح محبت و مدارا منطبق با صلای قرآن که می‌فرماید، "لا اکراه فی الدین"^(۱۰) فریاد خویش را بلند کردند. در زمره این حامیان و مدافعین مدارا و بردباری، بلا تردید ماهاتما گاندی از همه مهم‌تر و بارزتر بود.

"اعلامیه کلیسا خطاب به ادیان غیر مسیحی"^(۱۱) صادره از شورای دوم واتیکان^(۱۲)، و "رهنمودهای

۱- (۲۳۷-۲۷۲ قبل از میلاد). فرامین و احکام مشهور او شاهدهی است وافی بر مدارای مذهبی. او که به آئین بودا ایمان آورده بود، اعلام کرد که دیگر مایل نیست دنیا را با شمشیر متحوّل سازد بلکه می‌خواهد به قوه قانون اخلاق، یعنی دارما *Dharma* آن را تغییر دهد. او بالاتر از هر چیز دیگری رعایت احترام نسبت به پیروان سایر ادیان و ترویج جمیع اشکال اعتقادی را خواستار می‌شود.

۲- *Zeitgeist*

۳- *Nicholas of Cusa* که به زبان لاتین *Nicolaus Cusanus* و به آلمانی *Nikolaus von Cusa* گفته می‌شود، در سال ۱۴۰۱ در کوئس *Kues* که اکنون در غرب آلمان است متولد و در ۱۱ اوت ۱۴۶۴ در تودی *Todi* واقع در ایتالیا درگذشت - م

۴- *Friedrich Schleiermacher (Ernst Daniel)* (تولد ۲۱ نوامبر ۱۷۶۸ در برسلو آلمان که اینک به نام وروکلاو *Wroclaw* در لهستان واقع است، وفات در ۱۲ فوریه ۱۸۳۴ در برلن)، عالم الهیات، واعظ، لغت‌شناس کلاسیک و شخصی که عموماً به عنوان بانی علهیات نوین پروتستان شناخته می‌شود - م

۵- *Johann Friedrich Heiler* (تولد ۳۰ ژانویه ۱۸۹۲ در مونیخ، وفات ۲۷ آوریل ۱۹۶۷ در مونیخ) نویسنده مذهبی و محقق در تاریخ ادیان که در سال ۱۹۱۹ از مذهب کاتولیک به لوتران گرائید و نهضت عظیم کلیسای آلمان را رهبری کرد و رهبانیت را ایجاد نمود. او از پیروان اتحاد مسیحیت است - م

۶- *Nathan Söderblom* (تولد ۱۵ ژانویه ۱۸۶۶ در *Trönö* واقع در سوئد، وفات ۱۲ ژوئیه ۱۹۳۱ در آپسالالا *Uppsala*) اسقف اعظم لوتران و محقق ادیان تطبیقی و برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۳۰ به علت مساعی بین‌المللی اش برای برقراری صلح از طریق وحدت کلیسا - م

۷- *Sarvepalli Radhakrishnan* (تولد ۵ سپتامبر ۱۸۸۸ در تیروتانی واقع در آندراپرادش فعلی، وفات ۱۶ آوریل ۱۹۷۵ در مدرس) محقق و سیاستمداری که از ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۷ رئیس جمهور هندوستان بود. او استاد فلسفه در دانشگاه‌های میسور و کلکته، استاد اخلاقیات و ادیان شرقی در آکسفورد بود - م

۸- *Raymondo Panikkar*

۹- *Hans Küng*

۱۰- قرآن، سوره بقره، آیه ۲۵۶

۱۱- *Declaration of the Church to non-Christian Religions*

گفتگو با امم ادیان و اعتقادات زنده^(۱۳) صادره از شورای جهانی کلیساها^(۱۴) در سال ۱۹۷۹، هر دو از اهمیت تاریخی در تمهید موقعیت و جهتی جدید مبتنی بر روح ائتلاف و سازگاری بود. آنها بدایت "یک رشته گفتگوی ادیان عالم" را رقم زدند که "بیداری کُند آگاهی جهانی کلیسای جهانی" بود که بنا به گفته هانس کونگ، "یکی از مهم‌ترین پدیده‌های سده بیستم"^(۱۵) محسوب می‌شود. این پیشرفت نشانی از امید دارد که در این جهان ما که آینده از خشونت، نسل‌کشی و تبعیض مذهبی است، روح مدارا و احترام به تفکیک ناپذیری‌شان و مقام انسان از حقوق بشر بر روح عدم ائتلاف، ناسازگاری، تعصب و نفرت پیروز خواهد شد. صلح جهانی به آن بستگی دارد: "در میان ملل این عالم بدون صلح در میان ادیان جهان، صلحی برقرار نخواهد شد."^(۱۶)

اما تدوین اصول متعالی به تنهایی نفع چندانی ندارد. اهمیت ماهاتما گاندی بیش از هر چیز در این واقعیت نهفته است که او در تقاضاها و خواهشهای خیرخواهانه و تدوین اصولش متوقف نماند بلکه، علیرغم سالهای طولانی حبس و زندان، به نحوی عبرت‌انگیز بر مبنای اصول خود، محبت جامع و کامل نسبت به عالم انسانی، مدارای مذهبی و عدم خشونت، زیست و کل شخصیتش را بدون ادنی خوف و هراسی با اقدام سیاسی منطبق با اصولش وارد ساخت، چه که: "عالم از حرف خسته شده، مشتاق عمل است."^(۱۷)

۱۲- *Second Vatican Council*

۱۳- *Guidlines on Dialogue with People of Living Faiths and Ideologies*

۱۴- *World Council of Churches*

۱۵- *Christianity and the World Religions* (London 1990), p. XIV

۱۶- همان مأخذ، ص ۴۴۳

۱۷- ترجمه بیان حضرت ولی امرالله در توفیق ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۶ خطاب به مؤتمر جوانان مندرج در *Living the*

Life (London 1974), p. 26